عمل به شرع؛ از اسباب شکل گیری ارتکاز

یکی از چیزهایی که در ضوابط ِملکات ِنفسانی است، این است که ملکه، واقعاً درجات دارد. ارتکاز، گاهی است مربوط به یک شأن واحد است که اشتداد و ضعف دارد.

غیر از اینکه ملکه، درجات ِاشتداد و ضعف دارد، یک جور درجات دیگری دارد که نمی‌توانم با آن تصوری که الآن دارم، اسمش را اشتداد و ضعف بگذارم. ببینید بعضی‌ها هستند که در محیط فارسی آمدند، الآن هر کاری کنند نمی‌توانند فارسی حرف بزنند. اما فارسها که حرف می‌زنند ،کاملاً مقصود را می‌فهمد. الآن ملکه‌ی فهم ِزبان فارسی را پیدا کرد، اما ملکه‌ی گویش ِزبان فارسی را ندارد؛ اشتداد و ضعف نیست که بگوییم این ضعیف است، کم کم قوی می‌شود.

کسانی هستند به راحتی متن را می‌خواند، اما نمی‌تواند بنویسد. می‌گویی‌م چند سال است متن می‌خوانی؟ می‌گوید ۷۰ سال. می‌گویی‌م هیچ می‌توانی بنویسی؟ می‌گوید نه، نوشتن را تمرین نکرده‌م. آخر نوشته را داری می‌خوانی، خب کم کم هم بنویس که این ضعیف، شدید بشود! دو شأن است. یعنی نوشتن با دست، با خواندن ِمتن دو شأن روح است؛ نه یک شأنی که قوی بشود. حالا در مسائل شرعی گاهی است که اصلاً ارتکازیاتی داری‌م که تا ننویسی، نمی‌شود. یعنی **تا متشرّع نباشی، تا عمل نکنی نمی‌آید.** شما می‌گویید آخر من ۵۰ سال است کنار دست رانندها‌م، فضول بودم، همیشه نگاه می‌کردم دست و پای او را دیده‌م. در اینکه این شخص وقتی می‌خواهد رانندگی کند، کارش آسان است شک نداری‌م. اما الآن وقتی نگاه کردن خیلی شدید شد، دیگر راحت ماشین را می‌بَرَد؟ نه. در عمل یک چیزهایی به او داده می‌شود که در نگاه کردن نیست.

بازبینی #1
ایجاد شده 23 مارس 2025 13:50:26 توسط ... .
به روزرسانی شده 23 مارس 2025 13:50:40 توسط ... .